از ۲۴ مهر ۱۳۵۷ تا ۱۸ دی ۱۴۰۴؛

مسجدسوزی، تکرار یک تقابل تاریخی با پایگاه انقلاب اسلامی

مقدمه:

در دوره‌های مختلف تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران، مسجد همواره به عنوان یکی از کانون‌های اصلی سازمان‌دهی اجتماعی، تربیت نیروهای انقلابی، ارتباط میان مردم و نهادهای دینی و پشتیبانی از نظام سیاسی در دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، جایگاه ویژه‌ای داشته است. در جریان مبارزات منتهی به پیروزی انقلاب، مسجد فراتر از کارکرد عبادی خود، به محل اجتماع اقشار مختلف مردم، تبادل اخبار و دیدگاه‌ها، تبیین مواضع انقلابی و شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی مردمی تبدیل شد. این جایگاه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب نیز استمرار یافت و مسجد در مقاطع مختلف، نقشی مؤثر در فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امدادی ایفا کرد.

همزمان با این اهمیت و جایگاه مهم، تعرض به مساجد نیز در برخی از تحولات و رویدادهای مهم کشور از سوی برخی گروه‌ها انجام شده است و باید گفت مسجدسوزی یکی از جلوه‌های تقابل دشمنان و مخالفان انقلاب اسلامی با این نهاد ریشه‌دار دینی و اجتماعی در مقاطع مختلف تاریخ معاصر ایران بوده است. از آتش‌سوزی مسجد جامع کرمان در ۲۴ مهر ۱۳۵۷، در جریان مبارزات مردمی علیه رژیم پهلوی، تا تعرض به مساجد در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ و آتش‌زدن شماری از مساجد و حسینیه‌ها در حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴، می‌توان ردپای این پدیده را در بزنگاه‌های مهم سیاسی و اجتماعی کشور مشاهده کرد. بررسی چنین حوادثی در مقاطع متفاوت تاریخی، ابعاد مختلفی را در مورد زمینه‌ها، انگیزه‌ها و پیامدهای مسجدسوزی نشان می‌دهد.

۱) مسجد؛ پایگاه اصلی انقلاب اسلامی و کانون پیوند مردم با انقلاب

مسجد در جریان مبارزات منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، فراتر از کارکرد عبادی و مذهبی خود، به یکی از کانون‌های اصلی سازمان‌دهی مبارزات مردمی و گسترش نهضت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) تبدیل شد. برخورداری از جایگاه دینی و اعتماد عمومی، ارتباط مستمر با اقشار مختلف جامعه و امکان گردهمایی و تبادل اخبار و دیدگاه‌ها، مسجد را به پایگاهی مؤثر برای تبیین اهداف انقلاب، انتشار پیام‌های انقلابی، بسیج نیروهای مردمی و تقویت همبستگی اجتماعی تبدیل کرده بود. حضور روحانیون، بازاریان، دانشجویان، فرهنگیان و دیگر اقشار در مساجد، زمینه پیوند میان گروه‌های مختلف اجتماعی و شکل‌گیری شبکه‌های گسترده ارتباطی را فراهم می‌ساخت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز مسجد جایگاه خود را در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و انقلابی حفظ کرد و در مقاطع مختلف، به‌عنوان پایگاه تربیت نیروهای مؤمن و انقلابی، ترویج ارزش‌های اسلامی، سازمان‌دهی فعالیت‌های مردمی و تقویت مشارکت اجتماعی ایفای نقش نمود. ازاین‌رو، اهمیت مسجد صرفاً به قداست و جایگاه مذهبی آن محدود نمی‌شود، بلکه این نهاد، به واسطه پیوند عمیق با مردم و نقش‌آفرینی در تحولات کشور، بخشی از زیرساخت اجتماعی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. همین جایگاه ویژه، تعرض به مساجد را به موضوعی فراتر از تخریب یک مکان مذهبی تبدیل کرده و ضرورت صیانت از این پایگاه مردمی را دوچندان می‌سازد.

۲) مسجدسوزی؛ جنایتی تکرارشونده در کارنامه دشمنان انقلاب اسلامی

تکرار مسجدسوزی در مقاطع مختلف تاریخی، از استمرار یک رویکرد خصمانه در مواجهه با یکی از کانون‌های اصلی هویت دینی و انقلابی جامعه ایران حکایت دارد. جریان‌های معارض، متناسب با شرایط هر دوره و با بهره‌گیری از شیوه‌های متفاوت خشونت، بارها حرمت مساجد را نقض کرده و این اماکن را آماج اقدامات تخریبی خود قرار داده‌اند. این تکرار تاریخی، مؤید آن است که دشمنی با مسجد، در مواردی فراتر از یک اقدام مقطعی یا واکنشی هیجانی، در چارچوب تقابل با پایگاه‌های اعتقادی و اجتماعی انقلاب اسلامی قابل بررسی است.

اصرار بر تعرض به مساجد، بیانگر نوعی خصومت ریشه‌دار با نهادی است که از سرمایه معنوی، اعتماد عمومی و پیوندهای عمیق اجتماعی برخوردار است. در منطق این تقابل، مسجد به دلیل نقش‌آفرینی در حفظ هویت دینی جامعه و استمرار ارتباط میان مردم و ارزش‌های انقلاب، جایگاهی فراتر از یک مکان مذهبی یافته و به یکی از اهداف جریان‌های معارض تبدیل شده است. از همین رو، تکرار مسجدسوزی را باید در امتداد تلاش‌هایی ارزیابی کرد که در دوره‌های مختلف، با شیوه‌های گوناگون، ارزش‌های دینی، نمادهای اعتقادی و پایگاه‌های مردمی انقلاب اسلامی را هدف گرفته‌اند.

بدین‌ترتیب، استمرار این جنایت، پرده از خصومت جریانات معارض با ریشه‌های اعتقادی و اجتماعی جامعه ایرانی برمی‌دارد و نشان می‌دهد که تغییر صورت‌بندی منازعات سیاسی، لزوماً به تغییر اهداف بنیادین برخی جریان‌های ضدانقلاب در مواجهه با نمادهای دینی و انقلابی منجر نشده است.

۳) تعرض به مساجد؛ جلوه‌ای از عداوت با اعتقادات دینی و ماهیت ضد مردمی عاملان

تعرض به مساجد بیانگر خصومت با باورهای دینی و ارزش‌هایی است که بخش مهمی از هویت فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران را شکل می‌دهند. مسجد به عنوان یکی از کانون‌های اصلی حیات دینی، محل اجتماع مردم و پایگاه تقویت پیوندهای اعتقادی و اجتماعی، جایگاهی ریشه‌دار در زندگی جامعه ایرانی دارد. از این منظر، هدف قرار دادن چنین مکانی را نمی‌توان صرفاً اقدامی علیه یک بنا یا نماد مذهبی تلقی کرد، بلکه این رفتار واجد ابعادی فراتر از تخریب فیزیکی و ناظر بر تعرض به باورها، مقدسات و سرمایه معنوی جامعه است. انتخاب مسجد به عنوان هدف اقدامات خشونت‌آمیز، از ماهیت ضد مردمی عاملان آن نیز پرده برمی‌دارد. مسجد، به‌واسطه ارتباط مستقیم با زندگی روزمره مردم و نقش‌آفرینی در عرصه‌های عبادی، فرهنگی و اجتماعی، بخشی از سرمایه مشترک جامعه به شمار می‌رود. تعرض به این پایگاه مردمی، نه‌تنها حرمت اعتقادات دینی را نقض می‌کند، بلکه بیانگر بی‌اعتنایی به باورها و ارزش‌های بخش گسترده‌ای از جامعه و نادیده گرفتن حقوق معنوی آنان است. چنین رفتاری، ادعاهای جریان‌های مدعی حمایت از مردم و آزادی‌های اجتماعی را با پرسش جدی مواجه می‌سازد، چراکه هیچ ادعای مردمی‌بودنی نمی‌تواند توجیه‌گر تعرض به مقدسات و تخریب اماکن مورد احترام جامعه باشد.

بدین‌ترتیب، مسجدسوزی و تعرض به مساجد را باید هم‌زمان در دو سطح اعتقادی و اجتماعی ارزیابی کرد: از یک‌سو، این اقدامات نشانه‌ای از تقابل با باورهای دینی و نمادهای مقدس جامعه است و از سوی دیگر، ماهیت ضد مردمی عاملانی را آشکار می‌کند که برای

پیشبرد اهداف خود، حرمت اماکن مذهبی و تعلقات اعتقادی مردم را نادیده می‌گیرند. این واقعیت نشان می‌دهد که تعرض به مسجد، صرفاً تخریب یک مکان نیست، بلکه اقدامی علیه بخشی از هویت دینی و سرمایه اجتماعی جامعه به شمار می‌رود.

۴) حمله به مساجد؛ نشانه استیصال دشمن در برابر پایگاه‌های مردمی انقلاب اسلامی

تعرض به مساجد و به آتش کشیدن این اماکن مقدس را می‌توان جلوه‌ای از استیصال و درماندگی دشمنان انقلاب اسلامی و جریان‌های معارضی دانست که از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون، با بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی، تلاش کرده‌اند به نظام جمهوری اسلامی و پشتوانه مردمی آن آسیب وارد کنند. به عبارت دیگر، از آنجا که تلاش‌های مستمر دشمنان برای تضعیف جمهوری اسلامی به نتیجه مطلوب عاملان آن نرسیده است، حمله به نمادهای دینی و پایگاه‌های اجتماعی مردم، به ابزار و تلاشی مذبوحانه‌ای برای آسیب‌زدن هم‌زمان به مقدسات مردم، سرمایه اجتماعی جامعه و یکی از نمادهای پیوند مردم با انقلاب اسلامی تبدیل شده است. این اقدامات در واقع، به جای آنکه نشانه برخورداری عاملان از قدرت و پایگاه اجتماعی باشد، بیانگر توسل آنان به روش‌های تخریبی برای جبران ناکامی در دستیابی به اهداف خود است.

بر این اساس، تعرض به مساجد را باید در امتداد تلاش‌های ناکام دشمنان برای تضعیف نظام جمهوری اسلامی و گسستن پیوند آن با مردم ارزیابی کرد که در آن، حرمت مقدسات و تعلقات اعتقادی جامعه نیز قربانی اهداف سیاسی و ضدانقلابی می‌شود.

۵) هتک حرمت مساجد؛ تعرض به مقدسات و تلاش برای تضعیف هویت دینی و انسجام اجتماعی

مسجد در فرهنگ اسلامی، صرفاً مکانی برای انجام مناسک عبادی نیست، بلکه یکی از نمادهای بنیادین هویت دینی و از کانون‌های شکل‌گیری همبستگی میان اعضای جامعه به شمار می‌رود. حرمت این مکان مقدس، ریشه در باورها و ارزش‌هایی دارد که در طول قرن‌ها، بخشی از حافظه تاریخی و هویت جمعی جامعه ایرانی را شکل داده‌اند. ازاین‌رو، هتک حرمت مسجد، فراتر از آسیب‌رساندن به یک بنای مذهبی، تعرض به ارزش‌های مشترک و باورهای ریشه‌داری است که برای بخش گسترده‌ای از مردم از جایگاهی عمیق و غیرقابل‌جایگزین برخوردارند.

اهمیت این تعرض، زمانی آشکارتر می‌شود که پیامدهای آن در سطح روابط اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. مساجد در بسیاری از محلات، محل تلاقی ارتباطات میان‌نسلی، فعالیت‌های خیرخواهانه، همیاری اجتماعی و تعاملات روزمره مردم هستند. تعرض به این اماکن، می‌تواند احساس امنیت معنوی و اعتماد متقابل را خدشه‌دار کرده و زمینه تشدید شکاف‌های اجتماعی و تضعیف پیوندهای مبتنی بر ارزش‌های مشترک را فراهم سازد. در چنین شرایطی، هتک حرمت مسجد، علاوه بر جریحه‌دار کردن احساسات دینی جامعه، واجد پیامدهایی فراتر از محدوده یک مکان مشخص است و می‌تواند به تضعیف یکی از بسترهای مهم همگرایی اجتماعی منجر شود.

بر این اساس، تعرض به حرمت مساجد را باید اقدامی دانست که پیامدهای آن، هم ساحت اعتقادی جامعه و هم بنیان‌های همبستگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حفظ حرمت این اماکن، صرفاً دفاع از یک نماد مذهبی نیست، بلکه صیانت از بخشی از هویت

تاریخی و فرهنگی جامعه و پاسداری از ارزش‌هایی است که در شکل‌گیری اعتماد، همدلی و انسجام اجتماعی نقش دارند. از همین منظر، هتک حرمت مساجد را نمی‌توان به تخریب یک مکان محدود کرد؛ زیرا دامنه معنایی و اجتماعی آن، باورها و پیوندهایی را دربرمی‌گیرد که بخش مهمی از هویت جمعی جامعه بر پایه آن‌ها استوار است.

۶) پیامدهای معکوس مسجدسوزی؛ تقویت همبستگی مردم و حمایت از انقلاب اسلامی

تجربه تاریخی نشان داده است که تعرض به مقدسات و تخریب نمادهای مورد احترام جامعه، لزوماً به تحقق اهداف عاملان آن منجر نشده و نتیجه‌ای معکوس به همراه داشته است. مسجدسوزی، به دلیل پیوند عمیق مساجد با باورهای دینی و عواطف مذهبی مردم، به جای ایجاد فاصله میان جامعه و نظام جمهوری اسلامی، احساس همدلی و همبستگی در برابر عاملان این اقدامات را تقویت کرده است. هنگامی که حرمت یک مکان مقدس مورد تعرض قرار می‌گیرد، مسئله از چارچوب اختلافات سیاسی فراتر می‌رود و به موضوعی مرتبط با باورها، ارزش‌ها و هویت دینی جامعه تبدیل می‌شود که می‌تواند اقشار مختلف مردم را در دفاع از مقدسات و محکومیت اقدامات هتاکانه به یکدیگر نزدیک‌تر سازد.

از سوی دیگر، مسجدسوزی با آشکار ساختن ماهیت اقدامات تخریبی عاملان، زمینه بازنگری افکار عمومی در ماهیت و اهداف جریان‌های دخیل در این حوادث را فراهم می‌کند. تعرض به اماکن مذهبی، به ویژه هنگامی که با تخریب اموال عمومی و آسیب‌رساندن به دارایی‌های متعلق به مردم همراه باشد، فاصله میان ادعاهای مطرح شده از سوی عاملان و رفتار عملی آنان را برجسته می‌سازد. در چنین شرایطی، بخشی از جامعه که ممکن است نسبت به برخی مسائل و عملکردها انتقاد داشته باشد، می‌تواند میان نقد و اعتراض سیاسی از یک سو و هتک حرمت مقدسات و تخریب سرمایه‌های عمومی از سوی دیگر، تمایز قائل شود. این تمایز، ظرفیت آن را دارد که از همراهی با اقدامات خشونت‌آمیز بکاهد و زمینه تقویت همبستگی اجتماعی را فراهم آورد.

بر این اساس، مسجدسوزی نه‌تنها تضمینی برای تضعیف جایگاه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی نیست، بلکه به نتیجه‌ای خلاف هدف عاملان آن منجر می‌شود. تقویت حساسیت عمومی نسبت به حرمت مساجد، افزایش همدلی میان اقشار مختلف جامعه و برجسته شدن ضرورت صیانت از ارزش‌های دینی و ملی، از جمله پیامدهای چنین اقداماتی است.